

یادداشت

اقتصاد هویت دیجیتال



حامد اکبری
پژوهشگر اقتصاد اطلاعات
و دولت الکترونیک

● خدمات الکترونیکی در هر سطحی اعم از دولتی و خصوصی، سال‌هاست با مفهوم کلیدی به نام «احراز هویت» درگیر است که البته این مسئله مختص ایران هم نیست. اساسا در سیر تطور اخذ خدمات در جوامع، با پیشرفت و همه‌گرا شدن فضای مجازی و ابزارهای ارتباطی که راه‌حل طبیعی و خلاقانه بشر برای غلبه بر چالش‌های نو پدیدار دنیای مدرن، از جمله بحران انرژی، ترافیک، آلودگی هوا، توسعه پایدار و محیط زیست و... بوده است، بحث احراز هویت برای حضور و فعالیت در فضای مجازی از دغدغه‌های همیشگی خدمات‌دهندگان و خدمات‌گیرندگان بوده است و آن را به پاشنه آشیل این فرایند تبدیل کرده یا دست‌کم آن را به عنوان نقطه عزیمت سیاست‌گذاری و سناریونویسی برای ارائه خدمات به فرایندها تحمیل کرده است. دولت الکترونیک هم از حیث خدمت‌محوربودن و ابتدائی آن بر شخصیت‌های حقیقی و حقوقی از این موضوع مستثنا نیست، نمود اجرایی و راه‌حلی که امروزه از سوی پژوهشگران حوزه خدمات الکترونیک اندیشیده شده و مدتی است در آن به اتفاق نظر رسیده‌اند و برای بهینه‌سازی، امن‌سازی و تسهیل به‌کارگیری آن در تلاشند، «هویت دیجیتال» است. هویت دیجیتال مکانیسمی است که حضور افراد حقیقی و حقوقی را در فضای مجازی با سطح بالایی از امنیت نمایندگی می‌کند. ایده محوری هویت دیجیتال، مدیریت و عملیاتی کردن مسئله احراز هویت در خارج از اکوسیستم و ارائه اخذ خدمات الکترونیک است. به عبارت دیگر مشکل همیشگی ارائه‌دهندگان و دریافت‌کنندگان خدمات که به نوعی مهم‌ترین مانع ایجاد و پویایی آن بود را در قالب بسته‌های آماده و امن ارائه می‌کند. بدیهی است احراز هویت، نه از وظایف ذاتی مجموعه ارائه‌دهنده خدمات است و نه از تکالیف شهروندی و شخصیت‌های حقیقی برای اخذ خدمات؛ نگارنده بر این باور است که هویت دیجیتال را می‌توان ذیل عنوان کالاهای عمومی در حکمرانی نوین تعریف کرد؛ چیزی شبیه امنیت، جاده‌های مواصلاتی، سیستم قضائی، نظام پولی و بانکی و بسیاری از مفاهیمی که به مرور در حکمرانی جوامع بشری مورد نیاز بوده و عملا دولت‌ها متولی ایجاد آن شدند تا سایر کارها را مبنای آن زیرساخت‌ها سازمان یافته پیش رود و به بلوغ خود برسد. از خصوصیات کالاهای عمومی، غیر قابل‌فروش بودن آنهاست. به عبارت دیگر کالای عمومی، فرزند طبیعی رابطه جامعه و بازار نیست که نظام عرضه و تقاضا توانایی ایجاد ظرفیت برای ارکان بازار و کسب درآمد از آنها را داشته باشد. کالاهای عمومی معمولا از امکان‌سنجی و مدل اقتصادی شفاف برخوردار نیستند. هویت دیجیتال را هم می‌توان در زمره کالاهای عمومی طبقه‌بندی کرد که پیش‌نیاز بسیاری از خدمات، در پدیدارهای نو ظهور اقتصاد فضای مجازی، اقتصاد اطلاعات و حکمرانی جدید است ولی به دلیل نبود امکان تجاری‌سازی، همچنان به عنوان یک مشکل بزرگ قد علم کرده و لجاجت می‌کند. به گزارش تاریخ، بسیاری از کالاهای عمومی هم در سیر بلوغ خود و جامعه، با خلاقیت‌های نقش‌آفرینان در تعامل با دولت‌ها به کالاهایی بازاری تبدیل شدند که با حمایت دولت‌ها به سطحی از کلان‌بازارها وارد می‌شوند. پیش‌بینی می‌شود در آینده نزدیک هویت دیجیتال هم به کالایی قابل عرضه در بازار بدل شود. آنچه این یادداشت قصد طرح آن را دارد نوعی راه‌حلیایی برای گذار سریع از این برزخ، به هدف حل مسئله هویت دیجیتال به عنوان پاشنه‌آشیل دولت الکترونیک است. با عنایت به اینکه اساسا احراز هویت در خدمات دولتی، مسئله ارائه‌دهنده خدمت، در اینجا دولت، است، می‌توان گزینه‌هایی را برای تولی‌گری این موضوع برشمرد. البته نقش‌آفرینی در این حوزه می‌تواند بر عهده چند نهاد یا شخصیت حقوقی باشد و عدم ایجاد انحصار از همین ابتدا می‌تواند از بهترین سیاست‌ها باشد. سؤال محوری این است که چه شخصیت‌های حقوقی صلاحیت و امکان اجرایی مسئله هویت دیجیتال را دارند؟ مبنای نظری تولی‌گری هویت دیجیتال با وظایف ذاتی دستگاه‌هایی که بالاترین استاندارد، اهمیت و امکان راستی‌آزمایی هویتی از ارکان ارائه خدمات آنها خدمت خود را دارند، هم‌پوشانی قابل‌قبولی دارد. به عبارت دیگر به غیر از خود شخصیت حقیقی شهروند، که از حیث حقوق شهروندی، وجاهت قطعی برای اعلام و اثبات هویت خود را در فضای حقیقی و مجازی دارد، سایر دستگاه‌هایی که احراز هویت و راستی‌آزمایی هویتی از ارکان ارائه خدمات آنها هستند، بهترین ظرفیت برای عرضه هویت دیجیتال را به عنوان یک کالای عمومی دارند. بانک‌ها، دفاتر پیشخوان دولت، اپراتورهای تلفن همراه، فین‌تک‌ها یا فناوری‌های مالی، سازمان هدفمندی بارانه‌ها، سازمان ثبت احوال، سازمان ثبت اسناد و پلیس، به صورت کاملا منطقی قابلیت، صلاحیت، ظرفیت و امکانات ارائه هویت دیجیتال را دارند. شاید بتوان گفت اهمال و کم‌کاری آنها، ایجاد و بلوغ خدمات الکترونیکی در کشور را با تأخیر جدی مواجه کرده است. درواقع این نهادها قدر ظرفیت فوق‌العاده خود را ندانسته و نتوانسته‌اند از این اقتصاد بسیار پر ظرفیت و ثروت‌آفرین به نفع خود، کشور و مردم استفاده کنند. بدیهی است عنایت به موضوع تنظیم‌گری در این حوزه از مهم‌ترین وظایف و سیاست‌های دولت‌هاست که بحث مستقلی را می‌طلبد.

با نگاهی به تاریخ نه‌چندان دور اقتصاد کشور که با مطالعه آن از تاریخ می‌آموزیم که از تاریخ نیاموخته‌ایم، به مشاهدات تکان‌دهنده‌ای برخورد می‌کنیم. در اردیبهشت سال ۱۳۲۴ بی‌ثباتی نرخ ارز در حالی روی داد که زمینه‌های بی‌ثباتی آن به دنبال اجرای برنامه‌های تعدیل ساختاری در سال ۱۳۲۲ به وجود آمد. این بی‌ثباتی با آغاز اولین بازپرداخت بدهی‌های خارجی و کمبود ارز در کشور شدت یافت. (درحالی‌که ادعا می‌شد سال ۱۳۲۲ مناسب‌ترین زمان برای اجرای سیاست تک‌نرخ‌کردن ارز است و چه ادبیات آشنا و پرکاربردی است این واژه «مناسبتین زمان»)). به خاطر بدهی‌های چشمگیر خارجی و تورم بالا و مستمر و بی‌ثباتی‌های پولی در اردیبهشت ۱۳۲۴ نرخ ارز به‌شدت افزایش یافت و دلار در بازار آزاد از مرز هفت هزار ریال گذشت و به دنبال آن قیمت‌ها به‌شدت بی‌ثبات شد. تورم ۵۰ درصدی خرده‌فروشی و تورم ۶۰ درصدی عمده‌فروشی سال ۱۳۲۴ در همین ماه رقم خورد و نشان داد که اثر تغییرات و پرش‌های نرخ ارز بر تورم و انتظارات تورمی چشمگیر و شدید است و کویی نرخ ارز از این پتانسیل را دارد که در هنگام بی‌ثباتی، کل اقتصاد را به بی‌ثباتی بکشانند. از طرف دیگر همه ادعاهایی که برای توجیه برنامه تعدیل ساختاری می‌شد، این بود که می‌خواستند مداخله دولت در اقتصاد ایران را کاهش دهند؛ اما از طریق شوک نرخ ارز میزان مداخله دولت در اقتصاد ایران از ۱۳۲۱ به این طرف همواره ۵۰ درصد بیشتر از میزان مداخله دولت در دوران جنگ بوده است و آمار به‌خوبی نشان می‌دهد که چگونه بی‌ثباتی نرخ ارز بخش مولد خصوصی را از میدان سده می‌کند و این یکی از خسارات‌بارترین و غم‌انگیزترین هزینه‌هایی است که تا همین امروز نظام ملی دارد می‌پردازد. تجربه سال ۱۳۸۱ هم نکات زیادی برای آموختن از تاریخ دارد. قاعدتا در شرایط طبیعی و عادی تغییرات نرخ ارز نباید اثر چشمگیری بر وضعیت نقدینگی داشته باشد؛ اما چون شرایط عادی و طبیعی در اقتصاد ایران حاکم نیست و گزاره‌های تئوریک گزاره‌های مشروط هستند، در تجربه تک‌نرخ‌شدن ارز در سال ۱۳۸۱ وقتی نرخ رسمی از هزارو ۷۵۰ ریال به هشت هزار ریال رسید، نیاز مبادیاتی برای پوشش معاملات ریالی مربوط به صادرات و واردات افزایش یافت و بنابراین باعث رشد بالای نقدینگی در اقتصاد کشور شد. موضع بسیار مهم دیگر در آن دوران این بود که همه بدهی‌های خارجی تا سال ۱۳۸۱ با دلار هزارو ۷۵۰ ریال تعهد و ظهرنویسی شده بود؛ بنابراین برای اینکه مشکل سال‌های ۱۳۲۲ تا ۱۳۲۶ تکرار نشود و پایه پولی و نقدینگی از ناحیه مابه‌التفاوت درز برابره بدهی‌های خارجی سیلان پیدا نکنند، مقرر شد مقدار چشمگیری ارز از ناحیه دولت در اختیار بانک مرکزی قرار گیرد تا از محل فروش آن در بازار آزاد ریال‌های منتشرشده بابت بدهی‌های خارجی را خنثی و جبران کند که بعدا آمارهای بانک مرکزی نشان داد بانک یادشده نتوانسته است این ارزها را بفروشد و این خود به رشد بیشتر پایه پول و نقدینگی دامن زد.

بازتولید رانت‌های غیرمولد پیوسته

در کشورهای مبتنی بر نظم دسترسی محدود جابه‌جایی متغیرهای قیمتی به‌ویژه نرخ ارز برای تولید و توزیع رانت در بین فرادستان از ابزارهای مهم به شمار می‌آید. این به آن معنی است که ائتلاف مسلط در دولت طبیعی به جای تمرکز بر منطبق از بین‌بردن رانت‌های غیرمولد پیوسته آن را بازتولید می‌کند. ذکر این نکته نیز لازم است که همه حکومت‌ها از جمله نظم‌های دسترسی باز یا فشارهایی برای خلق رانت مواجه هستند. مقایسه‌های سیاسی وسوسه می‌شوند تا رانت‌ها را به عنوان ابزار تحکیم جایگاه خویش خلق کنند؛ اما دسترسی به ابزارهای موجود در بازبودن سیاست و رقابت در جامعه دسترسی باز ضد تلاش هم دیگر در این خلق رانت عمل می‌کند.

نرخ ارز و رانت گسترده برای ائتلاف مسلط

یکی از متغیرهایی که دست‌کاری آن در نظم اجتماعی با دسترسی محدود موجب خلق رانت گسترده برای ائتلاف مسلط می‌شود، نرخ ارز است. در موضوع نرخ ارز که با فشار بی‌امان رانت‌جویان برای افزایش نرخ ارز و ایجاد بزک علمی برای پیشبرد این مسئله روبه‌رو هستیم، اولین نکته نبود بازار عمیق و رقابتی ارز در نظم اجتماعی با دسترسی محدود است. فقدان بازارهای رقابتی مانع از علامت‌دهی و اثر واکنشی صحیح خواهد شد. در واقع آنچه در تحلیل و ارزیابی وضعیت ارز در اقتصاد ایران وجود دارد، این است که بسیاری از تحلیلگران تحلیل خود را بدون توجه به محدودیت‌های موجود در نظم دسترسی محدود بنا می‌کنند. قطعا در صورت وجود نظم دسترسی باز است که افزایش نرخ ارز به صادرات غیرنفتی، واردات، اشتغال، بهره‌وری، تورم و انتظارات تورمی علانم صحیح ابلاغ می‌کند. ویژگی دیگر بازارهای دسترسی باز در حوزه سیاست و اقتصاد با تکیه بر تئوری توازن دگانه بین این دو بخش این ایده را بازتاب می‌دهد که این نظم، منافع را در سطح گسترده توزیع می‌کند. وقتی یکی بخش از اقتصاد بهبود و گسترش معناداری را تجربه کند، جنبه‌های پویای اقتصاد باعث اشاعه آن در سرتاسر اقتصاد خواهد شد؛ درحالی‌که این عملکرد در نظم دسترسی محدود حاصل نخواهد شد.

افزایش نرخ ارز، تقاضا برای ال‌های صادراتی را افزایش می‌دهد که دارای سه ویژگی قدرت انطباق، کیفیت و رقابت‌پذیری باشد و این نوع صادرات معلول اقتصاد تولیدمحور با طرف عرضه قوی است. عامل بهره‌وری نیز در وضعیت رشد تولید کل و در نتیجه رشد صادرات فناورانه نقش تعیین‌کننده‌ای دارد و بهره‌وری نیز با حذف ناکارایی و تکیه بر نوآوری و تخریب خلق

اقتصاد

از تاریخ می‌آموزیم که از تاریخ نیاموخته‌ایم

منافع فرادستان در افزایش نرخ ارز

حمیدرضا قاسمی . کارشناس حوزه ارز



حاصل می‌شود. این امر نیازمند فرایندی است که پیوسته ساختار اقتصادی را از درون متحول کرده و ساختار قدیمی ناکارآمد را نابود می‌کند و از کالاهای مصرفی جدید، روش‌های جدید تولید و حمل‌ونقل، بازارهای جدید و شکل‌های جدید سازماندهی صنعتی به دست می‌آید که همگی مستلزم بستر نهادی مشوق تولید فناوریانه و کارآفرینی است.

تخریب خلاق شومپیتری رهاوردی است که از نظم دسترسی باز به دست می‌آید، درحالی‌که در نظم دسترسی محدود تخریب خلاق جای خود را به تولید و توزیع رانت می‌دهد. پس اشتباه راهبردی طرفداران و ذی‌نفعان افزایش نرخ ارز در نظرگرفتن نسخه یکسان برای دو نوع نظم دسترسی یا دو گروه از جوامع با ویژگی‌های بسیار متفاوت است.

درواقع ابزار اصلی نظم دسترسی محدود که در ادبیات نهادگرایی آن را دولت طبیعی می‌نامند، تولید و توزیع رانت برای ائتلاف مسلط است. در حکومت طبیعی ائتلاف مسلط با وضع محدودیت بر دسترسی به منابع باارزش یا کنترل فعالیت‌های ارزشمند به نفع گروه‌های فرادست، ایشان را با خود همراه می‌کند. تخریب خلاق شومپیتری که از مؤلفه‌های اصلی افزایش صادرات باکیفیت و مستمر است، مستلزم ورود و دسترسی باز توأمان به قالب‌های سازمانی در اقتصاد و سیاست است.

دولتی‌که بخواهد متغیر کلیدی نرخ ارز را هر دوره براساس اختلاف بین تورم داخل و خارج افزایش دهد؛ در واقع به این‌نهایی می‌شود که بیشتر خود امکان سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی را به حداقل می‌رساند. این امر نیازمند فرایندی است که پیوسته ساختار اقتصادی را از درون متحول کرده و ساختار قدیمی ناکارآمد را نابود می‌کند و از کالاهای مصرفی جدید، روش‌های جدید تولید و حمل‌ونقل، بازارهای جدید و شکل‌های جدید سازماندهی صنعتی به دست می‌آید که همگی مستلزم بستر نهادی مشوق تولید فناوریانه و کارآفرینی است.

تخریب خلاق شومپیتری رهاوردی است که از نظم دسترسی باز به دست می‌آید، درحالی‌که در نظم دسترسی محدود تخریب خلاق جای خود را به تولید و توزیع رانت می‌دهد. پس اشتباه راهبردی طرفداران و ذی‌نفعان افزایش نرخ ارز در نظرگرفتن نسخه یکسان برای دو نوع نظم دسترسی یا دو گروه از جوامع با ویژگی‌های بسیار متفاوت است.

دولتی‌که بخواهد متغیر کلیدی نرخ ارز را هر دوره براساس اختلاف بین تورم داخل و خارج افزایش دهد؛ در واقع به این‌نهایی می‌شود که بیشتر خود امکان سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی را به حداقل می‌رساند. این امر نیازمند فرایندی است که پیوسته ساختار اقتصادی را از درون متحول کرده و ساختار قدیمی ناکارآمد را نابود می‌کند و از کالاهای مصرفی جدید، روش‌های جدید تولید و حمل‌ونقل، بازارهای جدید و شکل‌های جدید سازماندهی صنعتی به دست می‌آید که همگی مستلزم بستر نهادی مشوق تولید فناوریانه و کارآفرینی است.

موضوع دیگری که در این چارچوب لازم است به صورت دقیق به آن پرداخت، بررسی اثر افزایش نرخ ارز بر واردات در نظم دسترسی محدود است. این موضوع از دو جنبه قابل طرح است: نخست اینکه به دلیل وابسته‌بودن تولید کشور به واردات کالاهای سرمایه‌ای، مواد اولیه و واسطه‌های و نبود جایگزین مناسب برای این کالاها در داخل کشور رانت افزایش نرخ ارز برای فرادستان باعث افزایش قیمت تمام‌شده محصولات، افزایش فشار بر معیشت فرودستان، تشدید رکود و بی‌کاری می‌شود و از طرف دیگر با افزایش قیمت کالاهای اساسی، دارو و تجهیزات پزشکی وارداتی، رفاه و سلامت غیرفرادستان کاهش خواهد یافت و این موضوع برای نفع‌برندگان افزایش نرخ ارز و هم‌بیمانان رسانه‌ای آنها پوشیده نیست؛ چنان‌که به‌وضوح اعلام می‌کنند «انجام یک سری اصلاحات از جمله تغییر در مسیر نرخ ارز لازم‌الاجراست؛ زیرا دولت جدید اکنون نگرانی از بابت رای‌نیابردن در دور بعد ندارد». (روزنامه دنیای اقتصاد-۱۳۹۶/۰۶/۰۱). و این یعنی علم به این موضوع که این امر موجب فشار بر غیرفرادستان خواهد شد. پس به دلیل آنچه در ادبیات اقتصادی بی‌کش‌بودن تولید داخل نسبت به واردات کالاهای سرمایه‌ای، واسطه‌ای و مواد اولیه نامیده می‌شود، همچنین نبود جایگزین مناسب برای کالاهای وارداتی با افزایش نرخ ارز واردات کاهش نخواهد یافت؛ بلکه آثار مخرب دیگری را به همراه خواهد داشت.

از دیگر سو تورم مبتنی بر فشار هزینه‌ها با فشار فرادستان به دولت برای افزایش نرخ ارز زمینه دیگری را برای کاهش قدرت خرید غیرفرادستان همراه با تعطیلی بخش مهمی از ظرفیت تولید بنگاه‌ها و عمیق‌ترشدن رکود و بی‌کاری فراهم می‌کند و از آنجاکه در نظم دسترسی محدود ما با فرادستان دارای قدرت قیمت‌گذاری دلخواه روبه‌رو هستیم، این فشارها چند برابر خواهد شد.

افزایش نرخ ارز متناسب با تورم که فرادستان از دولت طبیعی در نظم دسترسی محدود طلب می‌کنند، در حوزه روش‌های بازتولید رانت دسته‌بندی می‌شود که به واسطه آن امنیت سرمایه‌گذاری را از طریق

خواهد رسانند. یکی از ابتدایی‌ترین موضوعات برای هر سرمایه‌گذار فعالیت در فضای باثبات است. این در حالی است که افزایش نرخ ارز در هر دوره بر اساس اختلاف بین تورم داخل و خارج فضای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه را بی‌ثبات می‌کند؛ زیرا پول استاندارد استاندارد‌هاست و وقتی تغییری در ارزش آن ایجاد می‌شود؛ حتی مناسبات اخلاقی جامعه به هم می‌خورد. همچنین افزایش نرخ ارز بر مبنای اختلاف تورم داخل و خارج با اشکالات اساسی در بعد نظری روبه‌روست علاوه بر اینکه این‌را هاکار یک راه‌حل پویا برای حل مشکلات نیست و به‌عنوان یک راهکار ایستا در هنگام مواجهه با مشکلات مقطعی مطرح می‌شود، تورم حاصل افزایش سطح عمومی قیمت‌ها در کالاهای قابل مبادله و غیرقابل مبادله است؛ درحالی‌که مبنای تجارت خارجی قابل مبادله است.

شعله‌ورشدن تورم به‌واسطه افزایش نرخ ارز، افزایش انتظارات تورمی و وجود نیروهای قیمت‌گذار دلخواه از یک‌سو و افزایش هزینه‌های تولید از سوی دیگر دولت را به‌عنوان بزرگ‌ترین مصرف‌کننده و تولیدکننده در معرض تهدید جدی قرار خواهد داد و در واقع تئوری‌ای که قرار بود با تغییر نرخ ارز تمامی مشکلات ساختاری و نهادی کشور را حل کند، صادرات را افزایش و واردات را کاهش دهد، دولت را در تنگنایی قرار می‌دهد که علاوه بر افزایش تورم و تعمیق بیشتر رکود ایشان را در زمینه تأمین کالاهای عمومی برای عامه مردم نیز با مشکل روبه‌رو خواهد کرد. این به آن معنی است که افزایش نرخ ارز، فرادستان و ائتلاف مسلط را به قیمت کاهش رفاه غیرفرادستان از جانب افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و کاهش سطح خدمات دولت در ارائه کالاهای عمومی از جمله آموزش، بهداشت و درمان، منتفع خواهد کرد. بیشترین نفع از فقدان بازار عمیق ارز و نظام تولید و توزیع رانت در دولت طبیعی فرادستانی شده است که امروز بازم در ادبیات مختلف سردمدار افزایش نرخ ارز هستند؛ چرا که در سال‌های ۱۳۲۹ تا ۱۳۸۹ اقتصاد کشور به‌دلیل وجود درآمد‌های ارزی ناشی از صادرات نفت خام با مازاد ارزی مواجه بود و اگر منطق بازار حاکم بود، باید نرخ ارز کاهش می‌یافت اما در واقع از کاهش آن با ایجاد تقاضای ضدتوسعه‌ای جلوگیری شد. درحالی‌که عده‌ای با دارابودن امکانات و رسانه‌های متعدد واقعیت را وارونه جلوه می‌دهند.

ادامه در صفحه ۱۹

خبر

کم‌شدن مالکیت مردم در سهام عدالت

● پوری حسینی در حالی از حذف شرکت‌های زیان‌ده مانند هواپیمایی ج.ا.ا از سبد دارایی سهام عدالت و جایگزینی آنها با شرکت‌های سودآور سخن گفته که هم‌زمان از بازگرداندن بخشی از سهام به دولت در صورت عدم تسویه اقساط خبر داده است. سبد سهام عدالت در تمام این سال‌ها با شرکت‌های سودده بسته شده بود؛ اما مشخص نیست این تغییرات چه آینده‌ای برای سود صاحبان سهام رقم می‌زند. ضمن آنکه هنوز صاحبان سهام نمی‌دانند سود چه شرکتی با چه میزان سود و زیان را دریافت می‌کند. به گزارش فارس، رئیس سازمان خصوصی‌سازی اظهار کرده است: «۶۰ شرکت در قالب شرکت‌های سهام عدالت که از این تعداد ۴۹ شرکت دارای قیمت قطعی است، ارزشی بالغ بر ۲۷هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان را به خود اختصاص داده‌اند و این در حالی است که ارزش بازار سهام این شرکت‌ها، به حدود ۵۵ هزار میلیارد تومان بالغ می‌شود». به گفته پوری حسینی، دولت در ۱۰ سال گذشته از مجموع ۶۰ شرکت حاضر در سبد سهام عدالت، شرکت‌هایی را کاسته و در مقابل شرکت‌هایی را به آنها اضافه کرده است. از جمله شرکت‌هایی که در این زمینه حذف شده‌اند، شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران بود که زیان‌ده به حساب می‌آمد و درعوض شرکت‌های سودآوری به آنها اضافه شده‌اند. این اظهارات در حالی است که به گفته او، هم‌اکنون حدود ۲۰ هزار میلیارد تومان سهام قیمت‌گذاری نشده در سبد سهام عدالت وجود دارد. پوری حسینی این را هم گفته که «اگر مردم از پرداخت مابه‌التفاوت اقساط سهام عدالت استقبال کنند، پس از محاسبه سهام قیمت‌گذاری شده، سراخ دریافت سود نقدی از آنها می‌رویم». این اظهارات در حالی است که رئیس سازمان خصوصی‌سازی نیز در برنامه تلویزیونی گفته است: «اگر مشمولان مابقی سهام باقی بمانند دولت در خواهد آمد». در مقابل، آیین‌نامه به مالکیت دولت در خواهد آمد». در مقابل، آیین‌نامه اجرایی توزیع سهام عدالت، سازمان خصوصی‌سازی را مکلف کرده «درصورتی‌که در پایان دوره تقسیط، بهای سهام مورد واگذاری به‌طور کامل تسویه نشده باشد، خریداران مکلف‌اند حداکثر در مدت شش ماه رأسا نسبت به پرداخت بدهی و تسویه حساب سهام مورد خریداری اقدام کنند».



بازار قلک‌های کوچک و آرزوهای بزرگ

۲۰ و ۲۱ مهر ماه ۱۳۹۶ - ۱۰ صبح الی ۸ شب



۰۲۱-۲۳۵۴۰

میدان اقدسیه، ابتدای بزرگراه ارتش، بلوار شهید مژدی، خیابان پروفیسور وثوق، بلوار محک، مؤسسه خیریه محک

محک
مؤسسه خیریه محک
کودکان مبتلا به سرطان
mahak-charity.org